

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۸، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵
زمینه‌های مشترک گرایش به رئالیسم جادویی
در جنوب ایران و آمریکای جنوبی
(علمی - پژوهشی)

زینب شیخ حسینی*^۱
محمدعلی محمودی^۲

چکیده

رئالیسم جادویی شیوه‌ای است که در آن، نویسنده، خیال و واقعیت را چنان با هم درمی آمیزد که مرز مشخصی میان آن دو نباشد. در ایران، اغلب نویسندگان این شیوه، مربوط به منطقه جنوب ایران هستند. تلاش ما در مقاله حاضر، این است که ضمن بررسی شرایط اقلیمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دو منطقه جنوب ایران و جنوب آمریکا، زمینه‌های مشترک و علل گرایش نویسندگان دو منطقه به رئالیسم جادویی را روشن کنیم. به نظر می‌رسد که شرایط خاص اقلیمی، دور بودن از مراکز شهری، فقر اقتصادی و بی‌سوادی، باعث گرایش مردم این مناطق به اسطوره‌ها، خرافات و جادو شده و عرصه مناسبی برای تخیل فراهم نموده‌است؛ به گونه‌ای که عنصر خیال، بخشی از واقعیت زندگی‌شان شده‌است. این زمینه‌ها با مؤلفه‌هایی همچون موقعیت استراتژیک این دو منطقه و برخورداری از ذخایر ارزشمند، حضور استعمارگران، اختناق در حکومت‌های مرکزی و به‌خطر افتادن فرهنگ بومی همراه شده‌است و نویسنده روشنفکر را به سمت استفاده از عناصر جادویی برای روشنگری، گریز از اختناق و تلاش برای احیای فرهنگ بومی سوق داده‌است.

واژه‌های کلیدی: رئالیسم جادویی، آمریکای لاتین، جنوب ایران، تخیل، واقعیت، اسطوره.

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان: zsheikhhosseini@gmail.com

^۲ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان: mahmoodi122@yahoo.com

۱- مقدمه

رنالیسم جادویی، شیوه‌ای ادبی است که در آن، عناصر خیال و واقعیت چنان با هم در آمیخته‌اند که تشخیص آنها به صورت مجزاً به آسانی امکان‌پذیر نیست. گابریل گارسیا مارکز در آمریکای لاتین، با نوشتن رمان «صد سال تنهایی»، به عنوان بنیان‌گذار رنالیسم جادویی شناخته شده است اما این شیوه ادبی به آمریکای لاتین محدود نشده و در سایر کشورها و خصوصاً کشورهای جهان سوم نیز رواج یافته است. «این رنالیسم، خاصاً جهان سوم است و هنوز در راه است. کندوکاوی است در ارتباطات غریب ذهن ابتدایی این ملت‌ها که به کلی با فرهنگ غرب بیگانه است و اسطوره‌های بومی که در واقعیت‌های روزمره زندگی امروزی ادغام می‌شوند.» (سید حسینی، ۱۳۸۹: ۳۱۸)

«بررسی آثار نویسندگان این شیوه ادبی در اروپا و آمریکای لاتین، ما را به این نتیجه می‌رساند که دو جریان مهم، در نوع ادبی رنالیسم جادویی وجود دارد: نوع اول محققانه است که آن را رنالیسم شگفت‌انگیز نیز می‌نامند و نوع دوم اسطوره‌ای و فولکلوریک. در نوع محققانه آن نویسنده با استفاده از هنرهای ادبی، البته در بستر رنالیسم جادویی دنیای تذهیب‌یافته‌ای را برای خواننده می‌آفریند. این حوزه قلمرو عمل نویسندگان اروپایی است. نوع اسطوره‌ای یا فولکلوریک آن بیشتر در آثار نویسندگان آمریکای لاتین مشهود است.» (شوشتری، بی تا: ۳۵)

در این پژوهش، رنالیسم نوع دوم مدنظر است. استان‌های جنوبی ایران نیز از مناطقی هستند که شرایط مناسبی برای رشد رنالیسم جادویی داشته‌اند. منیرو روانی‌پور و غلامحسین ساعدی از نویسندگان پیشگام این شیوه در ایران هستند که هر دو، داستان‌های خود را به زندگی مردم جنوب اختصاص داده‌اند.

۱-۱- بیان مسئله

در این مقاله، تلاش خواهیم کرد تا با مطالعه در ویژگی‌ها و قابلیت‌های رنالیسم جادویی و بررسی تطبیقی شرایط اقلیمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دو منطقه جنوب ایران و جنوب آمریکا، زمینه‌های مشترک و علل گرایش نویسندگان دو منطقه به رنالیسم

جادویی را روشن کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که چرا این شیوه در این دو منطقه (که هر دو هم جنوبی هستند) این قدر مورد توجه و استقبال واقع شده‌است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه رئالیسم جادویی و بررسی مؤلفه‌های آن در متون ادبی مختلف صورت گرفته‌است اما در خصوص زمینه‌های مشترک رشد رئالیسم جادویی در دو منطقه جنوب ایران و آمریکای جنوبی تحقیقی صورت نگرفته‌است و جای چنین پژوهشی در میان تحقیقات علمی و ادبی خالی است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

تحقیقات فراوانی در زمینه رئالیسم جادویی انجام شده‌است که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم: «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در طبل حلبی از گونتر گراس و صد سال تنهایی از گابریل گارسیا مارکز» که در آن، نویسنده ثابت کرده‌است که رمان طبل حلبی، در زمره رمان‌های رئالیسم جادویی نیست. (کسیخان: ۱۳۹۰) در مقاله «بررسی تطبیقی رمان صد سال تنهایی و رمان عزاداران بیل، براساس شاخص‌های رئالیسم جادویی»، مشکلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای ایران و آمریکای لاتین توصیف شده‌است. (آتش سودا و توللی: ۱۳۹۰) مقاله «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق»، به تبیین مفاهیم و مبانی رئالیسم جادویی در رمان اهل غرق پرداخته‌است. (نیکوبخت و رامین‌نیا: ۱۳۸۴) «بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی»، یکی دیگر از مقالات منتشرشده در این زمینه است که نویسندگان آن، مؤلفه‌های رئالیسم جادویی را در آثار ساعدی بررسی کرده‌اند. (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸)

۲- بحث

پس از رواج رئالیسم جادویی و انتشار داستان‌های برجسته‌ای به این شیوه، کارشناسان و منتقدان ادبی تلاش کردند تا مبانی و ویژگی‌های این شیوه را تبیین نموده و حتی الامکان تعریف مناسبی از آن ارائه دهند.

۱-۲ رئالیسم جادویی و مؤلفه‌های آن

«رئالیسم جادویی، تلفیقی از عناصر سحر و رؤیا با حقایق و جزئیات روزمره زندگی است که سیر منطقی روایت را دگرگون می‌سازد. در بطن آثار رئالیسم جادویی می‌توان عناصر اسطوره‌ای افسانه‌ای نمادین، فراحقیقی و وهم را کاملاً نمایان دید.» (موسوی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

«در آثار واقع‌گرای جادویی، الگوهای واقع‌گرایی با خیال و وهم و عناصر رؤیاگونه و سحرآمیز جا عوض می‌کنند و درهم می‌آمیزند. در این آمیزش، ترکیبی به وجود می‌آید که به هیچ کدام از عناصر سازنده‌اش شبیه نیست. در این نوع داستان‌ها، ترتیب توالی زمانی به هم می‌ریزد و روایت زمانی وقایع، استادانه جابه‌جا می‌شود. داستان‌ها با بهره‌گیری از ویژگی‌های قصه، علوم پنهانی و با تهرنگی از توضیحات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی روایت می‌شود. چنین شگردی، خشنودی بسیار خواننده را به وجود می‌آورد. جاذبه و کشش داستان با هماهنگی و هم‌خوانی واقعیت با سحر و جادو، یادآور قصه‌های کهن است و در عین حال مسائل امروزی را نیز بازتاب می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۸۸)

برای آشنایی بهتر با رئالیسم جادویی، شاخصه‌های اساسی آن را مورد بحث

قرار می‌دهیم:

۱- تخیل: اصولاً در هر داستانی، تخیل وجود دارد. ممکن است نویسنده، داستانی بیافریند که اصلاً در واقعیت وجود نداشته باشد اما در رئالیسم جادویی، حوادث غیرواقعی در دل داستانی واقعی رخ می‌دهند و مرز میان تخیل و واقعیت برداشته می‌شود. در این داستان‌ها «تخیل، جزئی از واقعیت موجود است. این عنصر، تعیین‌کننده‌ترین نقش را در رئالیسم جادویی دارد و اصلاً جادو در رئالیسم، همین عنصر خیال‌پردازی است.» (اسحاقیان، ۱۳۸۵: ۱) این نکته، به قدری در این داستان‌ها اهمیت دارد که مرز میان رئالیسم جادویی و دیگر شیوه‌های داستان نویسی را مشخص می‌کند.

۲- توصیف دنیای طبیعی: توصیفات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی، از مشخصه‌های اصلی این نوع داستان محسوب می‌شوند. این توصیفات، کمک می‌کند که داستان با آثار وهمی

متفاوت باشد و از سوی دیگر، توصیفات دقیق و جزئی، از ویژگی‌های رئالیسم است که در این شیوه (رئالیسم جادویی)، در جهت تخیل و جادو به کار برده می‌شوند.

۳- راز‌گونگی و ابهام: از آنجا که در اساطیر، زمان و مکان روشن نیست و شخصیت‌ها و مکان‌ها رازآلود هستند، در آثار رئالیسم جادویی که اساطیر نقش مهمی را در آنها ایفا می‌کنند، این ویژگی نیز به وضوح دیده می‌شود. «نویسنده به شگردهای مختلفی، چون حضور پدیده در بستر تاریخی، پیوند با افراد و اماکن باستانی، ابهام نام‌ها و زمان، نامعلومی مبدأ و مقصد و... رازوارگی و اسطوره‌گونگی، پدیده را به نمایش می‌گذارد.» (بی نظیر و رضی، ۱۳۸۹: ۳۳)

۴- تاریخی بودن بخش‌های واقعی: در بخش‌های رئالیستی داستان، نویسنده به روایت حوادث عینی و واقعی که می‌توانند در واقعیت رخ داده باشند، مشغول می‌شود و همچون داستان‌های رئالیستی، تصویری کاملاً ملموس و آشنا، از جنس وقایعی که هر روز در جهان عینی اتفاق می‌افتد، ترسیم می‌کند.

۵- استفاده از عناصر اسطوره، جادو و راز، برای حفظ فرهنگ بومی و گریز از تیغ اختناق: «بیان کردن بحران‌ها و مشکلات روحی و روانی مردم در این رمان (ها) را هم که غرض از بیان آن رسیدن به یک نظم اجتماعی است، به اسطوره‌ها می‌توان ارتباط داد چون یکی از کاربردهای اسطوره‌ها، نقش جامعه‌شناختی آنهاست.» (آتش سودا و توللی، ۱۳۹۰: ۲۷)

نویسندگان این سبک، به اسطوره‌ها توجه خاصی دارند و «از زبان نمادین در اثرشان برای بیان مقاصد و مشکلات زمان و دوران خود سودجسته‌اند.» (همان: ۳۲) مشکلات اقتصادی مردم، دیکتاتوری حکومت‌های خودکامه و سرسپرده، ظلم و تبعیض و بی‌عدالتی، حضور گسترده استعمارگران و تاراج ثروت ملی، هجوم فرهنگ غربی و آسیب‌پذیری فرهنگ بومی و پدیده‌هایی از این دست، از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نویسنده متعهد و دردمند، خصوصاً در کشورهای جهان سوم است. رئالیسم جادویی، به دلیل امکانات و قابلیت‌هایی که دارد، به این قبیل نویسندگان امکان می‌دهد تا ضمن طرح دغدغه‌های اساسی خود، در راستای حفظ و احیای فرهنگ بومی تلاش کنند و در عین حال، در پناه بیان اساطیری و

رازورزانه، از بازخواست و مجازات حکومت‌ها بگریزند. بسیاری از این آثار، دیدگاهی ضدّ دیکتاتوری دارند. این آثار «پنجره‌های دیگری را به سوی آزادی بیان و مقابله با جهان تک‌صدایی، برای خوانندگان می‌گشایند و هر نوع استبدادی را نقد می‌کنند» (شوشتری، بی‌تا: ۴۲) و از آنجا که نویسنده در جامعه «آن‌زمان نمی‌تواند به وضوح حرف‌هایش را بزند، پس به نمادها متوسّل می‌شود.» (آتش سودا و توللی، ۱۳۹۰: ۲۳)

۲-۲- شرایط و زمینه‌های مشترک دو منطقه

حال با توجه به شناخت اجمالی که از رئالیسم جادویی، ویژگی‌ها و قابلیت‌های آن پیدا کردیم، به بررسی شرایط اقلیمی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آمریکای جنوبی و جنوب ایران می‌پردازیم و زمینه‌های مشترک این دو منطقه را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف: شرایط زیست‌محیطی: آمریکای لاتین و جنوب ایران، از نظر زیست‌محیطی شرایط نسبتاً مشابهی دارند. آمریکای لاتین، سرزمین کوه‌های بلند و صعب‌العبور و زمین‌های پست استوایی است که گرمای شدید و بارندگی شرایط زندگی را در آنجا دشوار می‌کند. «در این ناحیه، بارش باران بسیار شدید است. بادهای مرطوبی که از جانب اقیانوس کبیر می‌وزد نیز موجب باران‌های شدیدی در دامنه‌های غربی کوه آند می‌شود.» (کندری، ۱۳۷۱: ۲۳)

زندگی در کنار دریا، هوای گرم و شرجی را برای مردم بوشهر به ارمغان آورده است. «آب و هوایی گرم و مرطوب و میزان بارندگی متغیّر دارد. هوای استان از مهرماه تا فروردین ماه، ملایم و مطبوع، با زمستانی پرباران و دل‌انگیز و از اردیبهشت تا شهریور، گرم و همراه با رطوبت و شرجی است.» (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۷) از لحاظ جغرافیایی، آمریکای لاتین، سرزمین افراط‌گری‌هاست:

«کوه‌های بلند و واقعاً صعب‌العبور، زمین‌های پست به‌شدت استوایی و نیز رخنه‌پذیر، گرمای شدید، بارندگی و شرایط آب‌وهوایی که زیستن را در آنجا دشوار می‌سازد... زمین‌های کوهستانی و قطعه‌قطعه نیز حمل‌ونقل و ارتباطات داخلی را با مشکل مواجه می‌کند، بدین شکل که آمریکای لاتین را به روستاهای کوچک منزوی تقسیم و همگرایی ملی را به‌شدت دشوار می‌کند.» (هواردجی و کلاین، ۱۳۸۷: ۲۲)

زندگی در کنار ساحل دریا، در هر دو منطقه، باعث ایجاد مشاغل مرتبط با این محیط و شیوع بیماری‌هایی مثل طاعون و وبا شده‌است. در بوشهر، به علت مجاورت با دریا، اکثر مردم ماهی‌گیر یا دامدار و کشاورز هستند و در آمریکای لاتین نیز انس مردم با پرندگان و دام‌ها، منجر به پرورش دام و کشاورزی در این مناطق گشته‌است. «آمریکای جنوبی، عمده‌ترین منبع محصول قهوه در جهان است و نواحی معتدل نیز از حیث محصول گندم و پرورش دام یکی از مهم‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌رود.» (کندری، ۱۳۷۰: ۲۱) شرایط آب‌وهوایی و نوع زندگی مردم این دو منطقه، به توصیفات اکسپرسیونیستی در داستان‌های رئالیسم جادویی کمک می‌کند. «اغلب این توصیفات، مربوط به دریا و خروشان‌ی و ترسناکی آن یا وضعیت آب‌وهواست.» (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸: ۵۸) همچنین، شدت گرما و زندگی در کنار دریا، باعث افزایش باورهای خرافی در میان مردم این مناطق می‌شود. به طوری که اگر دقیق بنگریم، باورهای خرافی و اعتقاد به وقایع موهوم در مناطق جنوب، نسبت به سایر نقاط، بیشتر است. مردم این مناطق «به‌خاطر شرایط خاص زیست-محیطی و عدم ارتباط با دیگر سرزمین‌ها، گویی در برهوتی اسرارآمیز و خیال‌انگیز می‌زیند.» (همان: ۵۴) به اعتقاد دکتر ایزدیار، زندگی مردم این مناطق، در گيرودار ماهی‌گیری و ارتباط با دریا و خرافه و آیین‌های مربوط به ناشناختگی کران‌های دور است.

«جنوب و سواحل دریاهاى جنوب، شکارگاه مساعدی است برای جنون و پریشانی‌ها و آشفتگی‌های روانی، زندگی در ساحل آن‌چنانی خودبه‌خود با ترس و اضطراب و ناکامی همراه است. درافتادن با دریا و ترس از گرسنگی و بی‌آبی و آن همه بیماری و مرگ‌ومیر و خستگی کار و زندگی یکنواخت، ساحل‌نشینان را دچار آن‌چنان خمودگی کرده که همه با هم و دور از هم، با خویشان مشغول‌اند... رگ‌وریشه آداب و رسوم اهل هوا، مخلوطی است از اساطیر و قصص سواحل گوناگون و خرافات معتقدات عامیانه به همراه سحر و افسون و جادو جنبل و همه اینها، وسیله توجیه و تجلی تمایلات و آرزوها و هیجانات مردمی است که در چنان دیاری زندگی آن‌چنانی دارند.» (ساعدی، ۱۳۴۵: ۲۹)

ب: فقر و بی‌سوادی: پدیده‌ای است که در اغلب کشورهای جهان سوم، به‌وضوح دیده می‌شود. مردم این کشورها، به علت فقر و بهره‌مند نشدن از آموزش کافی، در جهل و

بی‌سوادی به‌سرمی‌برند. کشورهای آمریکای لاتین و مناطق جنوبی ایران نیز در زمان پدید آمدن داستان‌های جادویی، چنین وضعیتی داشته‌اند و بعضاً هنوز دارند. در آمریکای لاتین، «فقر، سوء تغذیه و بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه در بسیاری از مناطق، یک ناخوشی شایع است. بسیاری از مردم از مسکن و تغذیه مناسب برخوردار نیستند.» (هوارد جی و هاروی، ۱۳۸۷: ۲۹) «در بسیاری از کشورهای این منطقه، سطح بی‌سوادی بسیار بالاست (بین ۴۰ الی ۵۰ درصد)» (اشتین، ۱۳۶۶: ۲۳۸) بنا به نقل سایت بوشهر نیوز، قبل از انقلاب فقط ۳۷ درصد مردم، در این استان باسواد بودند. در تنگستان (یکی از شهرستان‌های بوشهر)، «نسبت باسوادان ۶ ساله به بالا در سال ۱۳۶۵، حدود ۵۵/۲ درصد» (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۰) بوده‌است و بی‌سوادی و دوربودن از مراکز تمدن جدید، میزان بی‌سوادی را در میان مردم این مناطق افزایش داده‌است و باعث شده که آنها، حقیقت رویدادها و وقایع اطراف خود را نشناسند و آنها را به قدرت‌های موهوم نسبت دهند.

«تقاضای فطرت انسان، این است که باید همیشه به اصولی پای‌بند و معتقد باشد و پیمانه فکر او، از یک سلسله معتقدات پر شود. حال اگر از این آمادگی فطری بهره‌برداری صحیح شود و یک سلسله حقایق به او عرضه داشته‌شود، جایی برای موهومات باقی نمی‌ماند اما اگر از تعلیمات و عقاید صحیح محروم ماند، ناچار به موهومات و خرافات پای‌بند می‌شود. این، یک اصل اساسی در مطالبات روحی انسان است.» (بی‌نا، بی‌تا: ۳۶)

در آثار مارکز، این امر به‌راحتی قابل‌درک است. هنگامی که تمدن مدرن وارد ماکوندو شد، مردم آنجا را به شگفتی واداشت و علت اختراعات جدید بشر را به جادو نسبت دادند. وقتی که کولی‌ها، آهن‌ربا را به آنجا بردند، مردم دهکده از اینکه می‌دیدند قابلمه‌ها و سه‌پایه‌ها به زمین می‌افتند، سخت حیرت کردند و جهل مردم منشأ سوءاستفادهٔ ملک‌یادس از اعتقاد آنها به جادو و امور موهوم شد: «او در مدت اقامت در ماکوندو، همواره دوتگه آهن‌ربا در دست می‌گرفت، به کلبه ساکنان دهکده می‌رفت، زیر لب وردی می‌خواند و با بالا کشیدن و حرکت دادن اشیای آهنی، از جمله دیگ‌ها، قابلمه‌ها، انبرها و سایر اجسام، همه را دچار شگفتی می‌کرد.» (مارکز، ۱۳۵۷: ۲۱) در جنوب ایران نیز با چنین شرایطی مواجه هستیم. رادیو که به جفره وارد شد، ساکنان آنجا آن را جعبه‌ای جادویی می‌پنداشتند

که عده‌ای از انسان‌ها در آن زندانی شده‌اند. و در مورد هواپیما نیز تصوّرات جادویی داشتند. «یک روز، مردم آبادی با دیدن پرنده‌ای غریب و آهنین که آدمی در شکم داشت و سروصدای غریبی می‌کرد و ناگهان در آسمان بالای سرشان پیدا شد، گریختند. پرنده، انگار قصد جانشان را داشت. جادوگری که در شکم آن نشسته بود، آن را درست بالای سرشان می‌آورد و...» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۱۶۶)

ج: اسطوره‌های بومی و باورهای خرافی: قصص و اساطیر، زمینه‌ساز تخیل در این نوع داستان‌ها هستند. نویسندگان، با به‌کارگیری اعتقادات بومی، به بیان واقعیت‌های موجود در این سرزمین‌ها پرداخته‌اند. «آمریکا حتی قبل از کشف، جایگاه زنده و تازه رویش اشکال تخیل در پیوند جادو و اساطیر و معتقدات خرافی بوده‌است.» (صلاح‌فضل، ۱۳۸۵: ۲۵)

جنوب ایران و آمریکای لاتین، بستر مناسبی برای رشد اسطوره و افسانه‌های ملل مختلف است. در هر دو منطقه، اختلاط فرهنگی در اثر مهاجرت آفریقایی‌ها و اقوام گوناگون به این مناطق، صورت گرفته‌است. «سواحل کارائیب، زادگاه محیطی است که از فرهنگ‌های گوناگون به‌وجودآمده و فرهنگ حاصل که از اختلاط افسون، راز و نادانسته‌ها سرچشمه گرفته‌است.» (مارکز، ۱۳۸۶: ۳۳) در هر دو منطقه، اساطیر و باورهای مشترکی وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی مشابهت این دو تمدن است. یکی از این باورهای مشترک، آیین قربانی است. به عقیده‌ی پیشینیان، «زندگی، تنها می‌تواند از زندگی دیگری که قربانی می‌شود، زاده‌شود، مرگ سخت آفریننده‌است؛ از این لحاظ که زندگی قربانی شده خود را در شکل درخشان‌تری از زندگی، در سطح دیگری از هستی متجلی می‌سازد، قربانی موجب انتقالی عظیم می‌شود.» (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۷۹) در آمریکای جنوبی، آیین قربانی به‌صورت پیشکش و هدیه به محضر خدایان صورت می‌گیرد. «سرخپوستان کویچوآ و آیما در پرو و بولیوی، با اینکه از چهار قرن پیش، مسیحی بوده‌اند، هنوز هم به ارواحی که احساس می‌کنند دور تا دورشان را گرفته‌اند و در کارهای روزمره‌شان دخالت می‌کنند، هدایا و پیشکش‌هایی را تقدیم می‌کنند.» (گریمال، ۱۳۸۵: ۶۰) اسطوره‌ی قربانی در جنوب ایران نیز در آیین زار و قربانی برای آیین‌های دینی نمایان شده‌است. «ساختار آیین زار متکی بر عناصری چون مرد

یا زن در مانگر، موسیقی، قربانی، تسلط بر ارواح شریر بیماری‌زا، خلسه و... است.» (ملک‌راه، ۱۳۸۵: ۳۴۴)

یکی دیگر از اسطوره‌های مشترک در این دو منطقه، ازدواج ماهیگیران با پریان دریایی است. «در قصه‌های ماداگاسکار، راجع به ماهیگیرانی که با پریان دریایی وصلت کردند، هست... مناسبات زن با حیوان در اساطیر دوقلوها در آمریکای جنوبی باز یافته می‌شود. حیوانی که زن را آستن می‌کند، در اینجا پلنگ خال‌خال آمریکای جنوبی است.» (باستید، ۱۳۷۰: ۶۶) در جنوب ایران، ازدواج با اجنه و پریان، در داستان‌های عامیانه یافت می‌شود. در رمان اهل غرق نیز روانی‌پور، این مسئله را به صورت ازدواج ماهیگیران با پریان دریایی بیان کرده است.

«در برخی اسطوره‌های ایرانی، پریان در دریا می‌زیند و از دریا به درمی‌آیند و با آتش مقدس «آذر برزین» به ستیز می‌پردازند. پری‌ها در دریاچه کاسئویه هستند و رحم زنان و دختران دوشیزه را که در گاهنبار خاصی در آب دریاچه آب‌تنی‌کنند، پالوده و زایا می‌کنند و دوشیزگان، از تخمه زردشت که در دریاچه نگهداری می‌شود، سوشیانت‌ها را می‌زاینند.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۲)

«به نظر می‌رسد که این اسطوره ایرانی، ریشه در باورهای آیینی مردم، پیش از رواج آیین زردشتی داشته باشد که در آن، پری نماد نیکویی، بارندگی، زایش و آب بوده است. در رمزپردازی‌های اسطوره‌ای آب در جنوب هند نیز فرشتگان و پریان دریایی که اصطلاحاً ناگی (شاه‌بانو با بوی ماهی) نامیده می‌شوند، موجوداتی با قدرت جادویی - مذهبی هستند که در قعر اقیانوس‌ها می‌زیند و به قهرمانان نیرو و قدرت جادویی می‌دهند.» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۰۷)

پری در رمزپردازی‌های اسطوره‌ای آب در اساطیر ایران و یونان و بین‌النهرین، نقشی مستمر و آشکار دارد. در اساطیر بین‌النهرین، انسان دریایی یا ماهی - انسان که آن را «کولولو» می‌نامیدند، همان پری دریایی است که بالاتنه، سر و بازویش، انسان و پایین پیکرش، ماهی است و رابطه‌ای نزدیک با الهه آب و نقشی محافظتی - جادویی دارد. انسان دریایی در آثار برج‌مانده از دوره هخامنشیان و سلوکیان هم دیده می‌شود. در آثار

روانی‌پور از این پری‌ها با عنوان آبی یاد شده‌است و در جنوب، هنوز هم افسانه‌هایی راجع به ازدواج فایز دشتستانی با پری رواج دارد. اساطیر مربوط به خشم خدایان، در قالب خشم دریا و... در هر دو منطقه به چشم می‌خورد. «گاه سیلاب‌های بزرگ، به بعضی جانوران مربوط می‌شود؛ مثلاً یک مار آبی که بر اثر بی‌احتیاطی یک فرد از نوع بشر، به شدت زخمی شده و باعث می‌شود تا آب‌های رودخانه‌ای طغیان کند و همچون سیلابی بزرگ همه جا را فراگیرد...» (گریمال، ۱۳۸۵: ۷۷) عقیده بدشدن دریا با انسان و خشم گرفتن آن، در بین ساحل‌نشینان جنوب رایج است. آنها همچنین غرق شدن کشتی‌ها را به ابرهای آسمان نسبت می‌دهند.

باورهای خرافی، یکی دیگر از عوامل رشد تخیل در این مناطق و به تبع آن، در داستان‌های آنهاست چون این باورها جزئی از زندگی مردم این مناطق هستند. همان‌طور که کارپینتر معتقد است «نویسنده آمریکای لاتینی، نیاز ندارد تخیل را در آثار خود وارد کند زیرا به بهترین شکل و در نهایت، باورپذیری نه تنها در افکار و عقاید مردم بلکه در زندگی روزمره آنها وجود دارد.» (شوشتری، بی تا: ۳۳) در جنوب ایران نیز چنین وضعیتی وجود دارد. مهم‌ترین باورهایی که در بین مردم جنوب ایران و آمریکای لاتین وجود دارد، مربوط به ارواح و حلول شیاطین در جسم، هنگام بیماری است. بعضی از این باورهای مشترک، نتیجه مهاجرت آفریقایی‌ها به این دو منطقه است. آنها برای درمان بیماری‌ها از رقص، موسیقی، طبل کوبیدن و... استفاده می‌کنند.

«بسیاری از مردم، به قدرت درمانگری موسیقی آمریکای جنوبی، از جمله پرو، کلمبیا و برزیل، اعتقاد دارند. آلات موسیقی عمده این نواحی، پان‌پایپ، گیتار و فلوت چوبی است. مردمان باستانی این نواحی، از موسیقی برای رقص، تجربیات خروج از بدن و شفایابی استفاده می‌کردند. ذکرگفتن، آوازخواندن، فلوت، طبل، زنگ و جفجغه، اساس موسیقی قبیله‌ای آمریکا را شکل می‌دهد.» (ملک‌راه، ۱۳۸۵: ۲۵۲)

به اعتقاد مردم جنوب ایران، باده‌ها باعث بیماری می‌شوند و تمام موجودات خیالی، پریان دریایی، دیوها، ارواح نیک و بد، همه باد یا خیال هستند و آدم‌ها را اسیر خود می‌کنند. آیین زار و دهل‌زنی، یکی از شایع‌ترین روش‌های درمانی است. «صدای دهل‌های

دوسر، با همان ضرب تند و رعب آور سواحلی، شب‌ها از هر دهکوره کنار دریا بلند است و هنوز صدای آواز دسته‌جمعی اهل هوا و صدای پایکوبی مبتلایان، همان حال و شور آفریقایی را دارد...» (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۱) برای درمان این بیماری‌ها، به شخص درمانگر مراجعه می‌کردند و مرد یا زن درمانگر، با استفاده از روش‌های خاص، به درمان این بیماری‌ها می‌پرداخت.

«فرد درمانگر، مرد یا زنی بوده که مهتر گروه محسوب می‌شد و بر جنبه‌های کاربردی و روحانی زندگی مردم احاطه داشت. روحانی‌ها و افراد درمانگر، در واقع یک نفر بودند. آنها اعتقاد داشتند که بیماری، ناشی از علل طبیعی و یا فوق‌طبیعی است. علل فوق‌طبیعی نیز ناشی از ورود روح یا شیطانی به کالبد بیمار و یا خروج روح خود بیمار بود. درمان این بیماران، به وسیله روحانی یا جادوگر قبیله انجام می‌شد... آیین تطهیر، برای پاک‌سازی بدن به کار می‌رود و سایر آیین‌ها و مراسم، همچون آوازخوانی، مجالی برای تکامل روح، تأمل، رشد شخصی و تقویت رابطه اجتماع به دست می‌دهد.» (ملک‌راه، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

در جنوب ایران نیز این کار توسط باباها و ماماها صورت می‌گیرد. در این شیوه درمانی، سعی بر آن است تا جادوی سفید، جادوی سیاه را بی‌اثر کند و سپس، نیروی شر را از تن بیمار دور کند. «در این حال است که طراح‌ی فضا و زمان کیهانی، به کمک موسیقی و رقص در آیین زار، کالبد بیمار را با جهان معنوی جادوی سفید مرتبط و یگانه می‌سازد و تن او را با پیوستن به جهان کیهانی، از رنج کسالت می‌رهاند.» (همان: ۱۲۶) مردم جنوب به حضور در امامزاده و شفا از طریق قدرت او نیز اعتقاد فراوانی دارند. همچنین، با مراجعه به ملأها و دعانویس‌ها، در پی حل گرفتاری‌های خود هستند.

«مردم منطقه به دعانویس، طلسم و جادو، جن و پری، ارادت دارند. مخصوصاً در هنگام داشتن تب و کسالت، غالباً به دعانویس متوسل می‌شوند. دعانویس هم دعایی می‌نویسد و به مریض می‌دهد و توصیه می‌کند کاغذ را در آب خیس کند و پس از آنکه مرکب‌های آن در آب حل شد، آب را بیاشامد و طومار دیگری را نیز به مریض می‌دهد و بیمار باید این دعا را در پارچه سفید لطیفی که آب ندیده باشد، بسته، به بازوی خود ببندد و تا رفع کسالت آن را باز نکند.» (افشارسیستانی، ۱۳۶۹: ۶۳۹)

د: شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی: وجود منابع زیرزمینی و ذخایر ارزشمند، از امتیازات این دو جنوب است که در شمال یا مرکز با چنین ذخایری مواجه نیستیم؛ به همین جهت، وجود استعمارگران در جنوب نیز گسترده‌تر است. جنوب ایران، مهد ذخایر نفتی فراوان است و استعمارگران انگلیسی را به این منطقه جذب کرده‌است.

«اهمیت بازرگانی بوشهر، سبب گردید تا انگلیسی‌ها سه بار به بوشهر هجوم آورند. پس از تسخیر این شهر در سال ۱۸۵۶، انگلیسی‌ها در سال ۱۹۰۹ م و در پی ناآرامی‌هایی که به علت مشروطه‌خواهی ایرانیان آغاز شده بود، اقدام به پیاده کردن نیروی نظامی در این منطقه نموده، گمرک و کلیه مناطق حساس را تصرف کردند. در سال ۱۹۱۵ م (جنگ جهانی اول)، به دنبال قیام رئیس علی دلواری علیه منافع انگلیسی‌ها در جنوب ایران، انگلیسی‌ها نیروی کمکی به بوشهر اعزام کرده، شهر بوشهر را در ۲۶ رمضان سال ۱۳۳۳ اشغال نمودند و انگلیسی‌ها با تخلیه شهر در مارس ۱۹۱۹ م، نقطه پایانی بر این تلاش‌های اشغال‌گرایانه خود نهادند. پس از پایان جنگ جهانی اول و ظهور رضاشاه پهلوی، بوشهر همچنان کانونی پرتشنج باقی ماند. خوانین بسیاری علیه حاکمیت رضاشاه سر به طغیان برداشتند. در این دوره، با کشیده شدن راه آهن سراسری و انتقال حجم عمده دادوستدهای تجاری از بوشهر به خرمشهر، رونق شهر رو به افول گذاشت. این منطقه پس از ملی شدن صنعت نفت، جایگاه خود را به عنوان ستاد فرماندهی انگلیس در خلیج فارس، از دست داد و در سال ۱۹۵۳ م، ساختمان کنسولگری در بوشهر تعطیل شد.» (شریفیان، ۱۳۸۳: ۲۳)

وجود بنادر جنوب و پالایشگاه‌های نفت در جنوب، موقعیت ویژه‌ای به این منطقه

داده‌است:

«سیاست در داستان جنوب، یک سیاست کاملاً جنوبی است با رنگ‌مایه غلیظ اقلیمی و در آمیخته با دریا و نفت و اسکله و کشتی و قاچاق و تبعید و مهاجرت و پالایشگاه و کارگران و ماهی‌گیران و خارجیان. قلب اقتصاد مملکت، با صادرات نفت و واردات کالا و کارگران فراوان و فعالیت‌های شبانه‌روزی آنان در این منطقه می‌تپد.» (شیری، ۱۳۸۷:

۲۰۴)

در آمریکای لاتین نیز وجود این منابع، باعث حضور خارجیان در این مناطق شده‌است:

«بیش از نیمی از کوکائین جهان، در کشور کلمبیا تولید می‌شود و بیشتر آن به‌طور غیرقانونی، راه آمریکا را درپیش می‌گیرد و کشتزارهای وسیع کلمبیا، در کنار تولید قهوه، موز، گل، نیشکر و پنبه و نیز استخراج نفت، طلا، نقره، و زمرّد، چشم‌گردانندگان شرکت‌های داخلی و به‌خصوص خارجی را خیره کرده‌است و آنها را به جانب انواع دخالت‌ها، زدویندها و جنایت‌ها سوق داده‌است.» (مارکز، ۱۳۸۶: ۴۰)

آمریکای لاتین نیز مانند ایران، از نظر اقتصادی وابسته به صنایع خود است و در آنجا نیز «وابستگی اقتصادی و مجموعه نشانه‌های گرایش یک جانبه اقتصادی و اجتماعی سه قرن تبعیت از اسپانیا و پرتغال را می‌یابیم.» (استانلی، ۱۳۶۶: ۲۳۸) این دوره، در هر دو منطقه، با انقلاب‌هایی همراه است. فشار دیکتاتوری‌ها و استثمار استعمارگران، مردم منطقه را به سمت تلاش برای دستیابی به استقلال سوق داده‌است. در این میان، نویسندگان نیز از گرایش‌های انقلابی بی‌نصیب نمانده‌اند و داستان را در خدمت اهداف انقلاب به کار گرفته‌اند. رمان‌های رئالیسم جادویی، بستر مناسبی برای مبارزه با دیکتاتورهای و بیان وقایع موجود در کشور هستند. حاکمیت جوّ خفقان و حکومت‌های استعماری که باعث سلب آزادی اندیشه از مردم شده‌اند، نویسندگان را بر آن داشته‌اند که واقعیت‌های موجود در سرزمین خود را به روشی خاص بیان کنند. از سوی دیگر، زمانی که فشار حکومت‌ها، آزادی را از ملت‌ها سلب کند، بیان حقایق به آسانی امکان‌پذیر نیست و این فشارها، نویسندگان را به سمت تخیل و گریز از واقعیت سوق می‌دهد.

رئالیسم جادویی، شیوه‌ای است که نویسندگان با استفاده از آن، علاوه بر اینکه فرهنگ بومی، باورها، سنت‌ها و رسوم خود را در مقابل فرهنگ مهاجم استعماری حفظ و احیا می‌کنند، با بهره‌گیری از امکانات آن و با زبانی سرشار از رمزوراز به مبارزه با دیکتاتورهای عصر خویش می‌پردازند. در ایران، حکومت قاجار و پس از آن حکومت رضاخان، چنین جوّی را ایجاد کرده‌بود. در آمریکای لاتین نیز تلاش‌های زیادی برای استقلال کشورها از چنگ استعمار صورت گرفت. «در اواخر قرن هیجدهم، اولین شکاف‌های جدی در این ساختار استعماری، سخت نمایان شد. تحت تأثیر روشنگری قرن هیجدهم، ایده‌های آزادی و ناسیونالیسم، شروع به خزیدن نمودند.» (هواردجی و کلاین، ۱۳۷۸: ۲۷) هنگام یورش

ناپلئون به اسپانیا در ۱۸۰۸، بولیوار در ونزوئلا بود. او در میان توطئه‌گرانی بود که در قیاس با گروه‌های متشکل در اسپانیا، طرفدار ایجاد سازمان زیرزمینی ونزوئلا بودند. نخستین سازمان سرّی در کاراکاس به وجود آمد... او به عنوان افسر در نیروی جمهوری ونزوئلا، علیه واکنش طرفداران سلطنت جنگید و توانست به یاری توده‌ها، کلمبیا را به استقلال برساند. «تا سال ۱۸۲۵، از آن امپراتوری عظیم و سابقه‌دار، هیچ چیز در دست اسپانیایی‌ها نماند، جز جزایر کوبا و پورتوریکو.» (پندل، بی تا: ۱۰۵) پس از پایان مبارزه علیه اسپانیا، جنگ‌ها و اختلافات داخلی و مبارزه با جمهوری‌های نوپا در این کشورها آغاز شد. به دنبال انتخابات اوایل قرن نوزدهم در کلمبیا، دو حزب محافظه‌کار و لیبرال به وجود آمد که بین آنها اختلافات و جنگ‌هایی رخ داد. «اختلاف میان طرفداران دو حزب یادشده در اواسط قرن بیستم، سرانجام، به جنگ و کشمکش انجامید. قتل، آشوب و ناآرامی سراسر کشور را دربرگرفت و مدت بیست سال به درازا کشید.» (مارکز، ۱۳۸۶: ۴۰) این شرایط، نویسندگانی مثل مارکز را به مبارزه با وضعیت موجود وادار کرد و رئالیسم جادویی، راهی بود برای این مبارزه. مارکز می‌گوید: «چنانچه اهل امریکای لاتین نبودم، هرگز گرد سیاست نمی‌گشتم اما وقتی روشنفکری با مسائلی چون ناپدیدشدن افراد، فقر و جهل روبه‌رو باشد، ناگزیر به سیاست روی می‌آورد.» (همان: ۱۸)

۳- نتیجه گیری

طبق پژوهش انجام شده در مقاله حاضر، به نتایج زیر دست یافتیم:

۱- رئالیسم جادویی، واکنشی جهان سومی در مقابل برخی پدیده‌های عصر مدرن، مانند استعمار، دیکتاتوری و اختناق حکومت‌های سرسپرده، یورش محصولات صنعتی نو به زندگی آرام و سنتی این جوامع، تقابل سنت و تجدد، هجوم فرهنگ کشورهای استعمارگر و خطر نابودی فرهنگ بومی این کشورها (که اساطیر و جادو جزء جدایی ناپذیر آنهاست) و... است. مهم‌ترین ویژگی این نوع داستانی، در آمیختگی واقعیت و تخیل است که وجه متمایز رئالیسم جادویی با سایر گونه‌های داستانی است و در شرایط خاصی نمایان می‌گردد.

۲- دو اقلیم جنوب ایران و جنوب آمریکا، دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که آنها را از سایر مناطق جدا می‌کند. شرایط اقلیمی، آب‌وهوایی و زیست‌محیطی در هر دو منطقه، ضمن اینکه در مواردی همچون گرما، شرجی بودن هوا، وجود دریا، ارتباط نداشتن با سایر سرزمین‌ها و ... شباهت‌هایی با هم دارند، مقتضیاتی را پدید می‌آورند که زندگی مردم دو منطقه را به هم شبیه می‌سازد. در هر دو منطقه، اسطوره‌ها، باورهای خرافی، عناصر شگفت و جادو، رازگونگی و تخیل، چنان با زندگی روزمره مردم در آمیخته است که حقیقتاً مرز میان واقعیت و خیال روشن نیست و تخیل و جادو، عین واقعیت زندگی آنهاست. از سوی دیگر، هر دو منطقه، مهد معادن و ذخایر گرانبهایی هستند که توجه استعمارگران را به آنها جلب کرده است. استعمارگران، با استفاده از ضعف حکومت‌های مرکزی و به‌منظور غارت منابع ارزشمند کشورها، هر دو منطقه را در مقاطعی از تاریخ، تصرف کرده‌اند و تعداد زیادی از نیروهای خود را در این مناطق سکونت داده‌اند. این نیروهای خارجی، طبعاً به همراه خود تکنولوژی جدید و فرهنگ بیگانه را هم آورده‌اند.

حضور این نیروها، با فرهنگی کاملاً متفاوت و با ابزارهایی عجیب و ناشناس در میان مردمی کاملاً سنتی و دور از هیاهوی جهان صنعتی و مدرن، به یکباره چهره منطقه را به هم ریخته و تصویر جدیدی از زندگی، پیش چشم ناظرین گشوده است. مردم، با شگفتی به این صحنه‌ها نگاه کرده و واکنش‌های متفاوتی را به نمایش گذاشته‌اند و شکل‌گیری وضعیت

جدید و تداوم آن، برای دوره‌ای نسبتاً طولانی، شرایط سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی را در این مناطق به وجود آورده است. چنین شرایطی، نویسنده روشنفکر برخاسته از بطن جامعه را برای ارائه تصویری از زندگی مردم در وضعیت موجود، به سمت داستان‌های رئالیستی هدایت می‌کند و از طرف دیگر، اختناق و فشار و سرکوب روشنفکران، آزادی خواهان و استقلال طلبان از یک سو و هجمه سنگین فرهنگ استعماری که فرهنگ بومی را با خطر زوال مواجه می‌کند، از سوی دیگر، نویسنده دردمند روشنفکر را به سمت استفاده از عناصر جادویی فرهنگ بومی و گرایش به تخیل برای روشنگری و گریز از تیغ اختناق و تلاش برای حفظ و احیای فرهنگ بومی سوق می‌دهد.

۳- جنوب، در دو منطقه مورد بحث ما، محیطی است که همه این شرایط را داراست و بستر مناسبی برای شاخ و برگ دادن به تخیل در بستر زندگی واقعی فراهم کرده است و رئالیسم جادویی، بهترین شیوه برای بیان این تخیل و واقعیت درهم آمیخته است؛ از این رو، می‌توان ادعا کرد که یکی از دلایل اساسی توجه نویسندگان این دو منطقه به رئالیسم جادویی همین مشابهت‌ها و مشترکات آنها است.

فهرست منابع:

- کتاب‌ها

- ۱- اشتین، استانلی و باربارا، اچ اشتین. (۱۳۶۶). **میراث استعماری آمریکای لاتین**. ترجمه نظام‌الدین قهاری. تهران: چاپ پژمان.
- ۲- افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). **نگاهی به بوشهر**. تهران: نسل دانش.
- ۳- ییاده، میرچا. (۱۳۸۴). **متون مقدس بنیادین از سراسر جهان**، ج ۲. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: فراروان.
- ۴- _____ . (۱۳۷۲). **رساله در تاریخ ادیان**. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ۵- باستید، روزه. (۱۳۷۰). **دانش اساطیر**. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- ۶- پندل، جورج. (بی‌تا). **تاریخ آمریکای لاتین**. ترجمه منوچهر پوریان‌خیر. تهران: اردیبهشت.
- ۷- حسینی، سیدقاسم. (۱۳۸۵). **مطالعاتی در باب تنگستان**. تهران: گلگشت.
- ۸- حمیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰). **فرهنگ‌نامه بوشهر**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- روانی پور، منیرو. (۱۳۶۹). **اهل غرق**. تهران: نشرنی.
- ۱۰- ساعدی، غلامحسین. (۱۳۴۵). **اهل هوا**. تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۹). **مکتب‌های ادبی**. تهران: نگاه.
- ۱۲- شریفیان، محسن. (۱۳۸۲). **اهل ماتم "آیین وسوگواری در بوشهر"**. تهران: دیرین.
- ۱۳- شیری، قهرمان. (۱۳۸۷). **مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران**. تهران: چشمه.
- ۱۴- کندری، مهران. (۱۳۷۱). **فرهنگ و تمدن آمریکای جنوبی پیش از کلمب**. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- ۱۵- گریمال، پی‌یر. (۱۳۸۵). **اساطیر جهان**. ترجمه مانی صالحی علامه. چاپ ششم. تهران: مهاجر.
- ۱۶- مارکز، گابریل گارسیا. (۱۳۵۳). **صدسال تنهایی**. ترجمه بهمن فرزانه. تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- _____ . (۱۳۸۶). **بهترین داستان‌های کوتاه**. ترجمه احمد گلشیری. تهران: نگاه.
- ۱۸- ملک‌راه، علی‌رضا. (۱۳۸۵). **آیین‌های شفا**. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- ۱۹- موسوی‌نیا، نورا. (۱۳۸۴). **اسطوره و رئالیسم جادویی**. کتاب ماه هنر.

۲۰- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). **واژه نامه هنر داستان‌نویسی**، ج ۱. تهران: مهناز.

۲۱- هواردجی، ویاردا و کلاین، هاروی. اف. (۱۳۸۷). **آمریکای لاتین، سیاست، حکومت و توسعه**، ترجمه علی‌رضا قربان‌پور. تهران: ابرار معاصر.

- مقاله‌ها

۱- آتش‌سودا، محمدعلی و توللی، اعظم. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی رمان صدسال‌تنبهایی و رمان عزاداران بیل». *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*. شماره ۱۶، صص: ۱۱-۳۴.

۲- اسحاقیان (دانایی)، جواد. (۱۳۸۵). «سویه‌های رئالیسم جادویی در «مکانی به وسعت هیچ»». *جهان کتاب*. سال یازدهم، شماره ۵ تا ۷، صص: ۲۲-۲۵.

۳- بی‌نظیر، نگین و رضی، احمد. (۱۳۸۹). «درهم‌تنیدگی رئالیسم جادویی و داستان موقعیت، تحلیل موردی داستان گیاهی در قرنطینه». *مجله بوستان ادب*. شماره ۴، صص: ۲۹-۴۶.

۴- بی‌نا. (۱۳۳۹). «در اجتماع چه می‌گذرد حکومت خرافات!». *نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام*. شماره هفتم، صص: ۳۳-۳۷.

۵- پورنامداریان، تقی و سیدان، مریم. (۱۳۸۸). «بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. صص: ۴۵-۶۴.

۶- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۰). «پری تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. صص: ۱-۳۲.

۷- شوشتری، منصوره. (۱۳۸۷). «رئالیسم جادویی؛ واقعیت خیال‌انگیز». *فصلنامه هنر*. شماره ۷۵، صص: ۳۲-۴۴.

۸- صلاح، فضل. (۱۳۸۵). «رئالیسم جادویی در آمریکای لاتین». *ترجمه قاسم غریفی*. نشریه صحنه. شماره ۳۶، صص: ۲۴-۳۱.

۹- نیکویخت، ناصر و رامین‌پناه، مریم. (۱۳۸۴). «رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۸، صص: ۱۳۹-۱۵۴.

- منابع مجازی

1- www.Bushernews.com